

# هشدار امام!

(... دعوای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد)

... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما

برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا

می کنیم... دعوی من و شما و همه کسانی که

دعوا می کنند همه برای خودشان است...))

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



سپاسی. انجمنی. فرهنگی

سال سی و دوم / شماره ۹


شماره مسلسل ۱۴۰۸

نیمه اول مرداد ماه ۱۳۹۰

۲۰۰ تومان

آیت الله تسخیری:

تقریب به معنای  
کناره گیری از اعتقادات  
و باورها نیست



صفحه ۳

رئیس مجلس شورای اسلامی:

منفعت جهان  
اسلام در گرو  
وحدت است



صفحه ۲



از دفتر خاطرات استاد سید هادی خسروشاهی:

## یادی از مبارزی مسلمان

صفحه ۶

گفت و گو با عباس شبانی:

مخالف نظام نبود، مخالف سلیق برخی ها بود

با احترام از او یاد کنیم

صفحه ۹

## نامه تاریخی جرج جرداق درباره امام موسی صدر

صفحه ۵

باد خاور؛ باختر را خواهد برد!

صفحه ۱۰


رئیس دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی:

سیره امام خمینی (ره)  
بهترین راه تعامل با  
ادیان است




صفحه ۳

انتقاد آیت الله  
استادی از بیان  
برخی مطالب  
سست در مناظر




صفحه ۵

سیاست خارجی  
و بیداری اسلامی  
از نگاه  
دکتر صادق خرازی



صفحه ۴

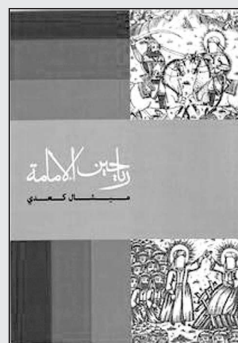
بزرگداشت  
سالگرد علامه  
آیت الله سید محمد  
حسین فضل الله در تهران



صفحه ۲

به همت حجت الاسلام محمد رضا زائری:

## انتشار ۱۲ قصیده شاعر مسیحی در مدح اهل بیت (ع)



کتاب "ریاحین الامامة" مجموعه اشعار

میشال کعدی ادیب مسیحی لبنانی منتشر شد.

این مجموعه که حاوی دوازده قصیده در مدح

اهل بیت است، توسط انتشارات بین المللی مثلث در

بیروت به چاپ رسیده و دومین اثر این شاعر و

نویسنده مسیحی در ستایش اهل بیت است.

میشال کعدی که سالها پیش برای دو کتاب از

آثار سلیمان کتانی نیز مقدمه نوشته، از دیرباز به

اهل بیت ارادت و علاقه داشته و به خاطر توصیه

پدرش رساله دکتری خود را به شخصیت و زندگی

امام علی علیه السلام اختصاص داده است. وی پیش

از این نیز کتابی در باره امام علی منتشر کرده و اینک در کتاب جدید خود به موضوعات

متنوعی از جمله: "عید غدیر"، "عاشورا"، "حضرت امام حسین"، "حضرت زینب" و

جنگ بدر پرداخته است. وی که در حال حاضر تألیف کتابی در باره امام سجاد

علیه السلام را آغاز کرده است قصد دارد در آینده نزدیک کتابی پیرامون شخصیت ادبی

حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها منتشر کند.

وی معتقد است برجستگی ابعاد ادبی و فصاحت و بلاغت پیامبر اکرم و

امیرالمؤمنین باعث شده تا بُعد ادبی شخصیت حضرت زهرا سلام الله علیها

مورد توجه قرار نگیرد. او ضمن تأکید بر این نکته ضمن اشاره به برخی از

خطبه ها و نوشته های آن حضرت می گوید: فاطمه زهرا نخستین ادیبه در جهان

بوده است.

کتاب "ریاحین الامامة" دومین مجموعه از آثار شعرا و نویسندگان مسیحی

پیرامون اهل بیت است که پس از کتاب "ملحمة الحسین" توسط مؤسسه مثلث

منتشر شده است و این مؤسسه در آینده نزدیک نیز چند اثر جدید از آثار نویسندگان

مسیحی لبنان در باره اسلام و اهل بیت را به بازار عرضه خواهد کرد.

شیخ الازهر مصر:

## اسلام به وجود سید حسن نصرالله افتخار می کند

می کردم، ولی هنگامی که به منصب شیخ الازهر رسیدم فشارها کاهش یافت تا اینکه انقلاب بوجود آمد و نظام مبارک به کلی از صحنه سیاسی محو شد.

احمد الطیب با تأکید بر اینکه هیچ اختلافی نمی تواند شیعیان را خارج از اسلام سازد تأکید کرد: هیچ اختلافی که سبب خارج شدن شیعیان از دین مبین اسلام شود وجود ندارد و نزاع های بوجود آمده از اهداف سیاسی نشات می گیرد.

نهایت اختلافی که میان شیعیان و اهل سنت است به مساله امامت بازمی گردد. ما معتقدیم که امامت و خلافت به عهده مردم قرار داده شده است و آنان می توانند به انتخاب خلیفه و امام بپردازند، در حالی که شیعیان بر این باورند که پیامبر اکرم (ع)، امام علی (ع) را به عنوان خلیفه و جانشین انتخاب کرده است.

شیخ الازهر مصر خاطر نشان ساخت: این اختلاف به حدی نیست که میان مسلمانان جدایی بیاندازد، ولی متأسفانه شاهد سوء استفاده از این مساله برای ضربه زدن به وحدت مسلمانان هستیم.



مورد تهدید قرار دادند، اما با توجه به اینکه از وجود اهداف سیاسی در پس این امر خبر داشتیم از برآورده ساختن خواسته آنان پرهیز کردم.

وی با اشاره به سرنوشتی نظام مبارک اظهار داشت: دین مبین اسلام با هرگونه تکفیر مخالف است و به طبع، تکفیر مسلمانان در اولویت این مخالفت ها قرار دارد. اکثر این فشارها در زمانی بود که من به عنوان مفتی مصر فعالیت

احمد الطیب، شیخ الازهر مصر در دیدار با جمعی از فعالان سیاسی و رسانه ای از سید حسن نصرالله به شدت تقدیر کرد و گفت: اسلام به وجود مجاهدی بزرگ نظیر سید حسن نصرالله افتخار می کند، وی مجاهد مسلمانی است که درس های فراموش نشدنی به رژیم صهیونیستی داد.

وی افزود: مهم نیست که سید حسن نصرالله و یاران وفادارش در حزب الله چه مذهبی دارند، بلکه آنچه مهم است مسلمانان بودن آنان است.

احمد الطیب از فشار حسنی مبارک به وی برای تکفیر شیعیان خبر داد و تصریح کرد: حسنی مبارک بارها از من خواست تا با صدور فتوا به تکفیر شیعیان و خصوصاً حزب الله لبنان بپردازم، ولی بنده به شدت با این امر مخالفت کردم.

شیخ الازهر ادامه داد: برخی از نزدیکان حسنی مبارک که از عوامل امنیتی نظام بودند به شدت به من فشار می آوردند تا در عقاید شیعیان تشکیک کنم و حتی به صورت غیرمستقیم مرا











لکم و انتم لباس لهن قرین و ملازم یکدیگر قرار داد و پیغمبر اکرم حدیث الجنة تحت اقدام الامهات را فرمود.

بدیهی است که علمای اعلام نخواهند زن ها را مادون و بنده مردها بشناسند، بلکه بانوان شرعاً حق مباشرت مستقیم در اموال و منافع و اتخاذ وکیل در کارهای خود را دارند، ولی چون روحانیون با شرایط موجود و علم به اینکه دولت به هیچ دسته ای از ملت خدمت نکرده که حالا بخواهد به خانم ها خدمت کند اسرارشان بیشتر از جهت اغراضی است که در چنین نقشه ها نهفته است و شکستن سدهای اسلام و قانون اساسی که منظور دولت می باشد، آقایان ترس دارند که با بیرون انداختن زن ها در جنجال های سیاسی و کشاندن به پرده دری و بی عفتی هم آنها را از وظائف طبیعی بازدارند و هم اختلافات و مناقشات را در حریم کانون های پاک و گرم خانوادگی وارد نمایند والا اگر اطمینان به حسن نیت متصدیان و دفع مفاسد و محظورهای شرعی و اخلاقی و اجتماعی باشد کسی خواهران مسلمان را از حق بیان و حق دفاع و از انجام وظائفی که شرع و عقل بر سبیل فطرت به عهده مرد و زن گذارده است منع نمی کند. تهران...

این بیانیه نشان دهنده روحیه و روش اسلامی دوستان ارجمند و در طلیعه آنان، مهندس سبحانی است و البته من نمی دانم این اعلامیه را خود ایشان

حروفچینی که کسی نبود به آقای برقی نشان دادم، وقتی آن را خواند: گفت، این دوستان این بار می خواهند که دیکتاتور خون ما را هم بریزد؟... من فکر نمی کنم که بتوانم آن را چاپ کنم و جان سالم به در ببرم... این بود که اعلامیه مزبور، به جای چاپ در تعداد وسیع، به صورت محدود و به شکل پلی کپی، تکثیر شد که لحن تند آن موجب شگفتی خیلی ها گردید. البته نخست شایع بود که اعلامیه را آیت الله طالقانی نوشته است اما بعدها مهندس سبحانی در دیداری به من - که آن را به زحمت در قم تکثیر کرده بودم - گفت: اعلامیه را من در زندان نوشتم و دادم دوستان همفکر مطالعه کردند و اصلاح نمودند و البته یکی دو نفر از جمله مرحوم علی بابایی موافق چاپ و نشر آن نبود و در حاشیه اعلامیه نظر مخالف خود را نوشت و امضا کرد که چون اعلامیه، لحن مبارزه مسلحانه دارد و این جزء برنامه نهضت نیست، من صلاح نمی دانم که چاپ یا منتشر گردد، ولی اغلب دوستان دیگر مشکلی در نشر آن ندیدند.

اعلامیه را پدرم دکتر سبحانی تحویل گرفت تا در ضمن انتقال از زندان قصر به زندان قزل قلعه که در آن تفتیش جدی به عمل نمی آمد، برای چاپ تحویل یکی از دیدار کنندگان بدهد... اما در موقع وضو گرفتن پدر، اعلامیه از جیب وی به زمین می افتد که یکی از مأمورین زندان آن را بر می دارد و پس از مطالعه، بلافاصله صورتجلسه می کند و آن

میلانی را که برای شرکت در انقلاب خونین مردم تهران از مشهد حرکت نموده بودند از نیمه راه بازگردانیده و علمای تهران، شیراز، قم، مشهد، تبریز و شهرهای دیگر را دستجمعی زندانی می کنند.

مردم با غیرت رقم کشته ها و زخمی ها در کشور از ده هزار نفر متجاوز است. مردم عربان و به جان رسیده این مملکت سینه های لخت خود را به رگبارهای مسلسل شاه دیکتاتور جبار سپردند و مردند و تسلیم حکومت جبار نشدند.

دانشجویان دانشگاه تهران با شعار دیکتاتور خون می خواهد، مرگ بر دیکتاتور خون آشام، به یاری مردم مسلمان به خیابان ها ریختند و امروز ششمین روز قیام و انقلاب سراسری مردم کشور علیه دیکتاتوری است و هنوز علی رغم تصور باطل عمال دیکتاتوری، مقاومت مردم ادامه دارد.

مردم تصمیم گرفته اند به خاطر رضای خداوند و تحصیل حق و آزادی به مقاومت ادامه دهند.

۱۳۴۲/۳/۱۹ نهضت آزادی ایران

این اعلامیه را نسل جوان نهضت مورد تأیید قرار داده بودند از جمله مرحوم محمد حنیف نژاد که در آن ایام در زندان بوده و بعدها به مبارزه مسلحانه روی آورد...

پی گیری ساواک

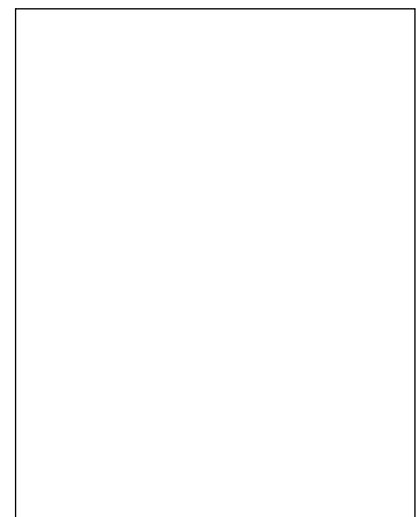
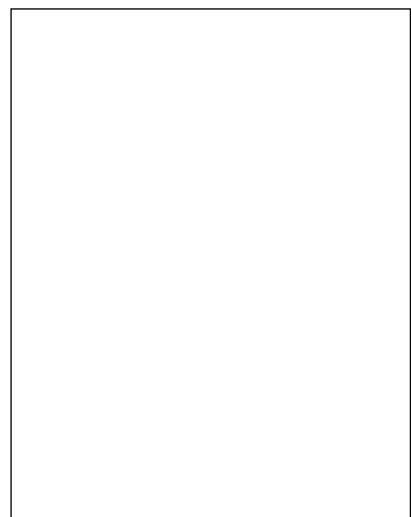
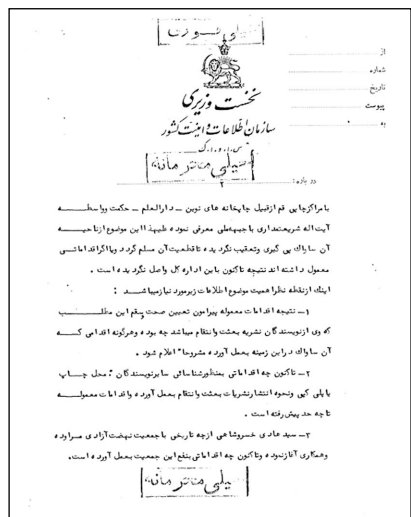
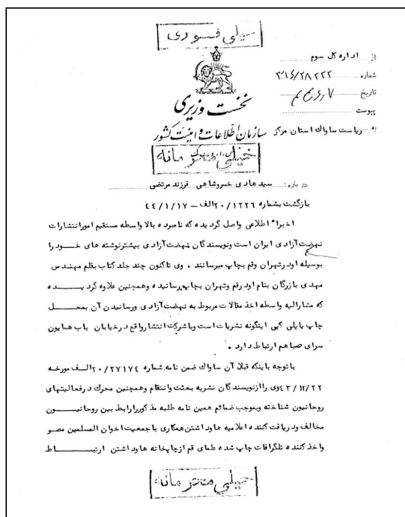
البته این قبیل فعالیت ها بدون مشکل و به دور

یادداشت ها است، در اینجا نقل می کنم:

نخست وزیری  
خیلی فوری - خیلی محرمانه. از اداره کل سوم. شماره ۳۱۶/۲۸۲۲۲ تاریخ ۴۴/۶/۷  
به: ریاست ساواک استان مرکز.

درباره: سید هادی خسروشاهی فرزند مرتضی. بازگشت به شماره ۲۰/۱۲۲۶ الف ۴۴/۷/۱۷  
اخیراً اطلاعاتی واصل گردیده که نامبرده بالا واسطه مستقیم امور انتشارات نهضت آزادی ایران است و نویسندگان نهضت آزادی بیشتر نوشته های خود را به وسیله او در تهران و قم به چاپ می رسانند. وی تاکنون چند جلد کتاب به قلم مهندس مهدی بازرگان به نام او در قم و تهران به چاپ رسانیده و همچنین علاوه گردیده که مشارالیه واسطه اخذ مقالات مربوط به نهضت آزادی و رسانیدن آن به محل چاپ یا پلی کپی اینگونه نشریات است و با شرکت انتشار واقع در خیابان باب همایون سرای صبا هم ارتباط دارد.

با توجه به اینکه قبلاً آن ساواک ضمن نامه شماره ۲۰/۲۷۱۷۴ الف مورخه ۴۳/۱۲/۲۲ وی را از نویسندگان نشریه بعثت و انتقام و همچنین محرک در فعالیت های روحانیون شناخته و به موجب ضمانت همین نامه طلبه مذکور را رابط بین روحانیون مخالف و دریافت کننده اعلامیه ها و داشتن همکاری با جمعیت اخوان المسلمین مصر و اخذ کننده تلگرافات چاپ شده علمای قم از



چاپخانه ها و داشتن ارتباط با مراکز چاپی قم از قبیل چاپخانه های نوین - دارالعلم - حکمت و واسطه آیت الله شریعتمداری با جبهه ملی معرفی نموده علیهذا این موضوع از ناحیه آن ساواک پی گیری و تعقیب نگردیده تا قطعیت آن مسلم گردد و یا اگر اقداماتی معمول داشته اند نتیجه تاکنون به این اداره کل واصل نگردیده است.

اینک از نقطه نظر اهمیت موضوع اطلاعات زیر مورد نیاز می باشد:

۱- نتیجه اقدامات معموله پیرامون تعیین صحت و سقم این مطلب که وی از نویسندگان نشریه بعثت و انتقام می باشد چه بوده و هرگونه اقدامی که آن ساواک در این زمینه بعمل آورده مشروحاً اعلام شود.

۲- تاکنون چه اقداماتی به منظور شناسائی سایر نویسندگان، محل چاپ یا پلی کپی و نحوه انتشار نشریات بعثت و انتقام بعمل آورده و اقدامات معموله تا چه حد پیش رفته است.

۳- سید هادی خسروشاهی از چه تاریخی با جمعیت نهضت آزادی مراوده و همکاری آغاز نموده و تاکنون چه اقداماتی به نفع این جمعیت بعمل آورده است.

۴- یاد شده بالا غیر از کتب و رسالات دینی و اقتصادی که در برگ بیوگرافی منظم به نامه

از چشم دشمن انجام نمی گرفت. علاوه بر گرفتاری های برادران در تهران، بنده نیز علیرغم مراعات مسائل حفاظتی و مخفی کاری، چندین بار در قم دستگیر و یا به ساواک خوانده شدم که در هر بار، با لطایف الحیلی، خود را دور از مسائل سیاسی ملی گرایانه! خواندم و آنها هم به علت نداشتن دلایل و مدارک برای اثبات اتهام، اقدام جدی بعمل نیاوردند ولی به تعقیب و مراقبت خود ادامه دادند... اما ظاهراً مرکز، از گزارش های ساواک قم راضی نبود و گویا اطلاعاتی به دست آنها رسیده بوده که ساواک قم از آنها بی خبر بوده است.

بی مناسبت نیست که یکی از نامه های مشروح اداره کل سوم ساواک مرکز، به ریاست ساواک قم را درباره روابط و فعالیت های اینجانب، عیناً نقل کنیم.

این نامه در واقع گزارش کاملی از نوع فعالیت ها و ارتباطات این جانب با گروه ها و سازمان های داخل و خارج در آن برهه است... و پس از پاسخ های بی محتوای ساواک قم، سرانجام بنده را دستگیر و به تهران فرستادند که پرونده اتهامی از طرف سپهبد نصیری به دادستانی ارتش ارجاع شد که چون داستان آن طولانی است، بررسی اسناد و چگونگی امر را به وقت دیگری موکول می کنم. اما سند یا گزارش ساواک را چون مربوط به این

را به دادستانی ارتش می فرستد... مرحوم پدرم برای آنکه کسی گرفتار نشود، مسئولیت تهیه آن را خود به عهده گرفته بود، ولی چون اعلامیه به خط من بود، دو سه روز بعد به سراغ من آمدند و مرا به عشرت آباد بردند و حدود یک ماه مرا در سخت ترین شرایط مورد بازجویی قرار دادند، پس از تکمیل پرونده، مجدداً مرا به نزد دوستان برگرداندند...

البته و بطور کلی نهضت در دفاع از حرکت مراجع به رهبری امام خمینی و توجیه خواست های آنان، در آن زمان فعال بود و اعلامیه های دیگری نیز منتشر ساختند که بعضی از آن ها را ما باز در قم تکثیر کردیم و علاوه بر قم، به شهرستان ها هم فرستادیم که نقل همه آنها در این یادداشت کوتاه مقدور نیست... ولی نقل اعلامیه "دیکتاتور" بی مناسبت نخواهد بود که متن آن چنین بود:

دیکتاتور خون می ریزد مردم مسلمان ایران

در طول تاریخ نخستین بار است که به مقام منبع نیابت عظمای امام علیه السلام جسارت می شود و مرجع تقلید حضرت آیت الله خمینی دزدیده و زندانی می شود و حضرت آیت الله شریعتمداری در خانه خود و در میان صدها سرباز گارد شاهی زندانی است و حضرت آیت الله

نوشته بود یا دوستان دیگر، ولی چون توسط ایشان به دست من رسید، بلافاصله به چاپ و تکثیر آن در قم اقدام کردم و اکنون نیز امانت داری ایجاب می کرد که در این یادداشت، به آن اشاره ای بشود و سطوری نقل گردد.

دیکتاتور خون می ریزد!

... در یکی از روزهای خرداد ماه ۴۲ که دوستان از جمله مهندس سبحانی در زندان بودند، یکی از دانشجویانی که بر من نا آشنا بود، در قم و مدرسه فیضیه به دیدار من آمد و کلمه رمز: آیت الله طالقانی سلام رسانند را به من گفت و پس از احوالپرسی عادی، یک کتاب به من داد و خداحافظی کرد و به سرعت رفت... کتاب را که باز کردم، طبق معمول اعلامیه ای در داخل آن بود که من آن را در گوشه ای از مدرسه خواندم و خیلی نگران شدم... چون لحن آن بسیار تند بود و با عنوان "دیکتاتور خون می ریزد" آغاز شده بود...

چاپ و توزیع آن از قم بدون شک می توانست واکنش های تندی از سوی ساواک به دنبال داشته باشد... اما من، باز به سراغ مرحوم سید یحیی برقی، مدیر چاپخانه حکمت رفتم... و چون مجله مکتب اسلام در آن چاپخانه چاپ می شد، رفت و آمد ما که عضو هیئت تحریریه مجله بودیم، خیلی مشکوک نمی زد... اعلامیه را در گوشه اطاق

معطوفی از آن نامبرده شده تابحال چه تألیفات و نشریات جدیدی چاپ و منتشر ساخته است. در صورت مثبت ارسال نسخه ای از نشریات جدید وی.

۵- معمولاً کارهای چاپی خود را به وسیله چه چاپخانه هایی در تهران یا قم انجام می دهد و امکانات او در این زمینه تا چه اندازه می باشد.

۶- با کدام مجله و نشریه مجاز و غیر مجاز همکاری داشته و نیز نقش وی در زمینه فعالیت های روحانیون مخالف چیست؟

۷- آیا می توان قرائتی در مورد همکاری یا داشتن ارتباط وی با جمعیت اخوان المسلمین مصر بدست آورد؟

۸- شرکت انتشار که قبلاً از مراکز پخش نهضت آزادی و دبیرخانه انجمن های اسلامی وابسته به نهضت بوده پس از ضربه سال ۴۲ و دستگیری و محکومیت مهدی جعفری مسئول آن، آیا مجدداً به صورت اولیه در آمده است یا خیر؟ در صورت مثبت:

الف - از چه تاریخی در این شرکت فعالیت مجدد به وسیله بقایای جمعیت نهضت آزادی ایران و انجمن های اسلامی وابسته به نهضت آغاز گردیده است؟

ب - مسئول جدید آن و همچنین اداره کنندگان فعلی آن شرکت چه کسانی می باشند با ذکر نام و مشخصات کامل آنان.

۹- در ماه های اخیر چه نوع کتبی از نوشته های مهندس مهدی بازرگان یا سایر سران نهضت آزادی منتشر و یا تجدید چاپ گردیده است - نام کتاب ها - نویسندگان - محل چاپ - تیراژ - نحوه انتشار با معرفی واسطه چاپ آنها.

خواهشمند است دستور فرمایید پیرامون خواسته های بالا بطور محرمانه و غیر محسوس تحقیق و نتیجه را به انضمام هرگونه اطلاعات دیگری که بتوان درباره مشارالیه تحصیل نمود به این اداره کل اعلام دارند. م

مدیر کل اداره سوم - مقدم سابقه ۴۴/۶/۷

و البته علیرغم دستور اکید مرکز و دستگیری و اعزام اینجانب به تهران و حبس در بند دو زندان قول قلعہ در کنار شخصیت هایی چون مرحوم آیت الله ربانی شیرازی، آیت الله انصاری شیرازی، حجت الاسلام والمسلمین جهان تاب و مرحوم حاج مرتضی تجریشی و زنده یاد داریوش فروهر، و چند توده ای، پس از مدتی، سرانجام به علت عدم اثبات اتهام و فقدان مدرک، و به بهانه یا مناسبت فرا رسیدن نوروز، همراه دیگر دوستان آزاد شدم و البته نقل خاطرات آن دوران نیز، نیاز به فرصت دیگری دارد...

### همفکری ها: سید جمال الدین

... در بین دوستان روشنفکر مذهبی، مهندس سبحانی به دیدگاه هایی که ما درباره مسائل اجتماعی یا شخصیت های معاصر داشتیم، گرایش بیشتری از خود نشان می داد.

مثلاً درباره سید جمال الدین حسینی - اسدآبادی معروف به افغانی - که بنده در قم چندین کتاب از خود و دیگران درباره او منتشر ساخته بودم، مهندس سبحانی مانند ما برداشت های مثبتی راجع به سید و عملکرد او داشت و حتی در این رابطه، به نقد علمی - منطقی آراء و نظریات دگراندیشان، از جمله احمد کسروی پرداخت.

مهندس سبحانی در یک بحث تحقیقی درباره سید، که ما آن را تحت عنوان: اندیشه و عملکرد سید جمال الدین اسدآبادی، در مجموعه یادنامه سید و سپس در شماره ۱۸-۱۷ فصلنامه تاریخ و فرهنگ معاصر - از قم - نقل و منتشر ساختیم، پس از اشاره به شرح زندگی سید، عملکرد او را در

را در وجود شاه می دیدند و نظر او مبارزه با دربار بود، ولی جبهه ملی، مرحوم کاشانی و دکتر مصدق و دیگران، رزم آرا را مشکل اساسی می دانستند. نواب سرانجام تسلیم نظر آنها شد و قرار شد که رزم آرا به وسیله فدائیان از میان برداشته شود. پس از ترور او، راه برای بالا آمدن جبهه ملی، ملی شدن نفت و یک گام به پیش علیه استعمار انگلیس، برای ملت ایران برداشته شد و در این جریان دربار ناچار به عقب نشینی شد و با ریاکاری در مقابل نیروهای ملی تسلیم شد... در این موقع بین نواب صفوی و جبهه ملی اختلاف ایجاد شد.

فدائیان معتقد به ادامه مبارزه علیه شاه بودند، ولی جبهه ملی این را مصلحت نمی دانست. دکتر مصدق و مرحوم کاشانی هم این اعتقاد را داشتند، همه اعضای جبهه ملی جز "نریمان" خواهان مبارزه در چارچوب قانون بودند و اینکه عملاً کاری به کار دربار نداشته باشیم. فدائیان به سمت مبارزه قهرآمیز کشیده شدند. جبهه ملی می خواست در کادر قانون اساسی علیه استعمار بجنگد و چون علیه استعمار می جنگید، می خواست در آن مرحله به نیروهای داخلی نپردازد. البته بعدها خود مرحوم دکتر مصدق به این مسائل پی برد که نمی توان با استعمار جنگید و پایگاه های داخلی اش را کاری نداشت... (روزنامه اطلاعات، مورخ ۲۷ دی ماه ۱۳۵۹ ص ۶ و ۷).

البته در اینجا باید اشاره کنم که چند سال قبل، در روزنامه "شرق" شماره ۶۸۰ مورخ ۱۸۴/۷۲ از قول مهندس سبحانی نقل شده بود که ایشان در مصاحبه ای گفته اند: فدائیان اسلام در راه انقلاب زحمت کشیده اند اما اینکه ملی شدن صنعت نفت به ابتکار این ها بود، صحت ندارد در حالیکه شهید نواب صفوی قبل از آقای حسین مکی و یا شادروان دکتر حسین فاطمی، و در مانیفست فدائیان اسلام - راهنمای حقایق - که در سال ۱۳۲۷ تحریر و تنظیم و چاپ شده، رسماً خواستار ملی شدن صنعت نفت شده است. در حالیکه در همان دوران بعضی از رهبران اصلی جبهه ملی بعدی، در مجلس شورای ملی، آن را مغایر قوانین بین المللی نامیده و با آن مخالفت نمودند که می توانید به صورت جلسات مجلس مراجعه کنید. (توضیح مشروح اینجانب در این رابطه در شماره ۶۸۴ روزنامه "شرق" مورخ ۸۴/۱۷۶، ص ۶ درج و منتشر گردید.) و البته صداقت و اخوت ما، علیرغم این انتقاد منشور، استوار باقی ماند و در دیداری در نمایشگاه بین المللی کتاب، - غرفه نشر صمدیه - بیشتر از سابق اظهار آرادت یا "مجتب" کرد.

بهرحال مهندس سبحانی همچنان عدل و انصاف را در برنامه عمل خود داشت. او در خاطرات خود، باز درباره شهید نواب صفوی می نویسد: .. در قضایای مربوط به کودتای ۲۸ مرداد فدائیان اسلام شرکت نداشتند. مرحوم نواب، بعد از کودتا از مصر به تهران برگشت. البته در مصاحبه ای در بغداد از سقوط مصدق اظهار خوشحالی کرده بود. من و یکی از دوستان به دیدن او رفتیم و انتقاد کردیم میدانی چه کسی به جای مصدق آمده؟ گفت: آیا می توانم با یکی از سران نهضت مقاومت ملاقات کنم... نواب، فرد مخلصی بود. به رغم زندان زمان مصدق و بدرفتاری های زیاد در زندان و با وجود خدمتی که در ترور رزم آراء به جبهه ملی کرده بود، وقتی فهمید کودتاچیان کی هستند و نهضت مقاومت هم مذهبی است، خود را در اختیار نهضت قرار داد... (به کتاب: "نیم قرن خاطره و تجربه" مراجعه شود).

### فعالیت فرهنگی:

... مهندس سبحانی مدتی هم مدیریت مؤسسه فرهنگی "شرکت سهامی انتشار" را که در سال ۳۸ یعنی بیش از نیم قرن پیش تأسیس شد و دفتر

زمینه های مختلف، مورد بررسی قرار می دهد و نقش ارزنده و سازنده او را در مبارزه همه جانبه با استعمار و استبداد، در بلاد اسلامی از جمله مصر و الجزائر و ترکیه عثمانی و ایران، روشن می سازد و آراء و نظریات پرفسور ادوارد براون، آخوند زاده، یحیی آربین پور، آدمیت، احمد کسروی و دیگران را نقل و ضمن تشریح موارد مثبت، از جنبه های منفی و غیر واقعی آن نظرات، انتقاد می کند و در پایان بحث خود، ضمن اشاره به نوشته های کسروی که سید را منتهم به "جاه طلبی و خودخواهی" نموده است، می نویسد: "... آن خودپرستی که کسروی از آن یاد می کند، از کجای زندگی جمال الدین استنباط می شود؟ بعید نیست که کسروی این قضاوت را از زبان دشمنان سید کرده باشد. مخالفین و معاندین، طبیعتاً یکی از تهمت هایی را که به یک فرد سرسخت و سازش ناپذیر می زدند، همان خودپرستی و خودخواهی است و از این نمونه ها در زندگی سیاسی فراوان داریم... و دشمنی ارباب قدرت و ثروت و عمال طبقه حاکمه ایران از آن زمان تاکنون با سید جمال الدین، به مراتب بیشتر از ملکم و امثال او است، چرا که او به مراتب سازش ناپذیرتر و در فعالیت های خود و مصمم تر و هدف دارتر بود و از آن گذشته تأثیر و نفوذ سخن او در مردم بسیار خطرناک بود. متأسفانه برخی از نویسندگان و مورخین اخیر هم که داعیه تحقیق یا تعقل علمی - تاریخی دارند، از همان اندیشه های صاحبان قدرت ایران درباره سید تبعیت کرده درباره او قضاوت می کنند و بدین ترتیب آب به آسیاب طبقه حاکمین ایران می ریزند."

این بحث تاریخی - سیاسی را مهندس سبحانی در "زنداد عادل آباد شیراز" با بهره گیری از بیش از ۵۰ کتاب و رساله تاریخی، تهیه کرده بود و همانطور که اشاره شد، بنده پس از کسب اجازه از ایشان، آن را علاوه بر یادنامه سید در فصلنامه خود نیز نقل کردم (رجوع شود به تاریخ و فرهنگ معاصر - شماره ۱ و ۲ سال پنجم، مورخ بهار و تابستان ۱۳۷۵، صفحه ۱۵۷ تا ۱۹۹).

### فدائیان اسلام

در مورد فدائیان اسلام و رهبری آن هم، علیرغم اینکه مهندس سبحانی مانند دیگر دوستان و همفکران ملی گرای خود، هوادار دکتر مصدق بود، اما در قضاوت خود، عدل و انصاف را بطور کامل مراعات کرده و حقیقت را آنطور که به وقوع پیوسته، بیان و ترسیم کرده است. مهندس سبحانی برخلاف ملی گرایانی که حاضر نیستند نقش برجسته آیت الله کاشانی و یا اسلام گرایان را در نهضت ملی شدن صنعت نفت بپذیرند، با شفافیت کامل نقش هر دو گروه را بیان می کند و چنین می نویسد: "در اواخر سال ۱۳۲۸ که در انتخابات تهران تقلبات زیادی شده بود، با ترور هژیر توسط مرحوم سید حسین امامی انتخابات به هم خورد و دوباره در سال ۲۹ انتخابات دوره ۱۶ تجدید شد... در انتخابات مجدد دوره ۱۶، فدائیان دخالت مؤثر داشتند و در واقع گارد ضربت و عامل فعال بودن جبهه ملی آن موقع، همین فدائیان بودند. اداره انتخابات و حفاظت از صندوق های رأی را نیروی عملی آنان می گرداند والا افراد جبهه ملی اهل آن جور کارها نبودند. آنها روشنفکرانی اهل بحث و مباحثه بودند؛ ولی فدائیان اسلام اهل مبارزه و عمل بودند. در سال ۱۳۲۹ که رزم آرا روی کار آمد، باز هم فدائیان اسلام در مبارزه جبهه ملی علیه او، نقش اساسی داشتند. تا اینکه شعار "ملی شدن نفت" مطرح شد و آیت الله کاشانی هم در همان سال از تبعید برگشت. فدائیان اسلام استقبال بسیار شایانی از ایشان به عمل آوردند.

نواب صفوی و دوستانش مشکل اصلی ایران

نخستین آن دو اطاق کوچک در خیابان ناصرخسرو پاساژ اخوان بود و بعد به دفتر بزرگتری در خیابان باب همایون منتقل گردید و اکنون نیز در نزدیکی میدان بهارستان قرار دارد، به عهده گرفت و در آن دوران، فرصت بیشتری برای دیدار بود و او با همان اخلاق اسلامی، همواره از مراجعین و برادران همفکر و دگراندیش، به گرمی استقبال می کرد... اینجانب که خود از همان آغاز تأسیس "شرکت سهامی انتشار" توسط آیت الله طالقانی و یارانش، جزء "سهامداران" آن مؤسسه بودم، به دنبال کتاب های جدید، هر چندی یک بار به دیدار ایشان می رفتم و موقع خداحافظی و به اصرار، تا دم درب دفتر خود، به بدرقه می آمد.

باید یادآور شد که در دوران مدیریت مهندس سبحانی، کتاب های مفید و ارزشمندی از مؤلفان فرهیخته از سوی شرکت سهامی انتشار به چاپ رسید و در مورد نشر آثار مؤلفان یا مترجمان هم او هرگز "جناحی" برخورد نمی کرد و فقط در فکر نشر کتاب خوب و سودمند برای مردم و نسل جوان بود.

### روابط با روحانیون

مهندس سبحانی درباره روابط انجمن های اسلامی دانشجویان و مهندسیین و پزشکان و نهضت مقاومت و.. با روحانیت و حوزه علمیه قم، در ضمن مصاحبه درباره "مرزبندی با روشنفکران دینی" که در فصلنامه یادآور منتشر شده است، می گوید:

قبل از انقلاب ما - با روحانیون - کاملاً مرتبط بودیم. مثلاً مرحوم مطهری، سید صدرالدین جزائری، آیت الله طالقانی، علامه طباطبائی و دیگران ارتباط دائمی داشتیم. در سال ۴۳ تا ۴۶ که پدر ما و مرحوم بازرگان زندان بودند، روزهای ملاقات علامه طباطبائی با آن شخصیت والا به دیدن آنها می رفت... اساساً قبل از آن یعنی در سال ۳۲ که نهضت مقاومت ملی تشکیل شد، بارها مرحوم طالقانی و مرحوم بازرگان و پدر من به قم می رفتند و به آقایان می گفتند که بیاید در امور سیاسی دخالت کنید در مرحله بعد هم امثال بنده و کسانی مثل آقای سید هادی خسروشاهی در قم، پی گیر این کار بودیم... و تا پیروزی انقلاب روابط بین تیب ما و روحانیون روشنفکر حوزوی بسیار نزدیک و صمیمانه بود... در اوائل انقلاب و زمانی که در شورای انقلاب بودیم روابطمان با آقای خامنه ای بسیار حسنه بود و در آن مقطع من در کردستان بودم و دولت موقت استعفا داد آقای خامنه ای به مهاباد و به من زنگ زدند که تو زودتر بیا چون تو از همه صادق تری... (فصلنامه یاد آور، شماره ۴ و ۵، ۱۳۸۸، صفحه ۱۹۶). باید اشاره کنم که در آن برهه، مهندس سبحانی چندین بار به تنهایی و دو سه بار هم همراه مهندس طاهری قزوینی حفظه الله - مترجم محترم قرآن - و زنده یاد محمد حنیف نژاد به قم آمدند که همراه اینجانب ملاقات هایی با بعضی از مراجع، فضلا و علماء حوزه علمیه داشتند...

### استعفا از نهضت آزادی

... البته همه می دانیم که مهندس سبحانی از ارکان اصلی نهضت آزادی بود... و در این راه سالیانی دراز از عمر خود را در زندان های رژیم شاه گذراند... و پس از پیروزی انقلاب هم علیرغم اینکه عضو شورای انقلاب بود و بعد رئیس سازمان برنامه و بودجه شد، ولی در مورد عملکرد دولت موقت مرحوم مهندس بازرگان، انتقادات و اعتراضاتی داشت که در چندین جلسه همراه بعضی دیگر از دوستان، با ایشان در میان گذاشت، ولی گویا این "مباحثات" سودبخش نبود و در نتیجه مهندس سبحانی، همراه چند نفر دیگر از اعضا قدیمی نهضت، از این جمعیت جدا شدند و استعفا



دادند و علت اصلی آن هم ضعف یا عدم صلاحیت بعضی از وزراء دولت و عدم مدیریت صحیح کشور پس از انقلاب بود و در این زمینه، مهندس سبحانی یک بیانیه مفصلي در فروردین ۵۸، بالغ بر شصت صفحه نوشت که پس از تصویب دوستان همفکر، و با امضای نهضت آزادی ایران منتشر گردید که در آن موارد انتقادی به تفصیل یادآوری شده بود. در این بیانیه البته از کارهای مفید انجام شده توسط دولت، تقدیر بعمل آمده بود، ولی از اقدامات منفی و غیر مفید نیز به شدت انتقاد شده بود. این بیانیه به عنوان بیانیه ۶۵ صفحه ای معروف شد... و البته قصد دوستانی که استعفا دادند، ایجاد تشکلی جدید و به اصطلاح آشناعب! نبود، بلکه از روی دلسوزی مسائلی را که ضروری تشخیص داده بودند، مطرح ساختند و حتی در آذرماه همان سال - ۱۳۵۸ - که دستجمعی استعفا دادند آن را زسانه ای هم نکردند... علاوه بر مهندس سبحانی آقایان: دکتر حسن حبیبی، شهید محمدعلی رجائی، دکتر سید محمد مهدی جعفری، مهندس حسن عرب زاده، دکتر فریدون سبحانی و آقای محمد بسته نگار و چند نفر دیگر، جزء افراد مستعفی بودند. البته باید گفت که این استعفا، هرگز خللی در ارادت دوستان به مرحوم بازرگان و دکتر سبحانی ایجاد نکرد و آنها همواره با

احترام با آقایان تعامل داشتند. و هر کدام به نحوی، به همکاری عملی مثبت با آن ها، بویژه پس از استعفای دولت موقت، ادامه دادند، گرچه ارتباط تشکیلاتی و سازمانی با آن ها نداشتند.

**مردی وارسته**

مهندس سبحانی صادقانه یک عنصر فعال و یک سرباز واقعی نهضت و انقلاب بود و یک عمر تمام در این راه مبارزه کرد و زندان رفت و تبعید شد و شکنجه دید ولی همچنان به آرمان اسلامی خود وفادار ماند... در این میان، عده ای او را غیر از آنچه بود، معرفی کردند و در واقع امنیت راه از او سلب نمودند. اما اکنون که او در میان ما نیست، باید شهادت داد که مهندس سبحانی مخالف نظام نبود، اما در مواردی مخالف بعضی از افراد یا برنامه ها بود و صادقانه و شفاف هم انتقاد خود را بیان می داشت همانطور که در مورد حزب خود، و رهبری آن - نهضت آزادی و مرحوم مهندس بازرگان ۶۵ - صفحه بیانیه نوشت و منتشر ساخت... اما بعضی از کسانی که خود را محور امور می دانستند، این مخالفت های اعتقادی - انتقادی - به قصد اصلاح را برناتفتند و بر او ستم روا شد... یادم می آید که در موردی، چند نفر خدمت امام رفتند و در سعایت از کسی - یا کسانی - به امام گفتند که فلانی: مخالف نظام است و امام در پاسخ فرموده بود: نه خیر، آنان

مخالف نظام نیستند، بلکه مخالف شما هستند و در مورد دیگری، کسی به امام گزارش داده بود که فلانی با شخص شما مخالفت می کند، و امام پاسخ داده بودند که: مگر من از اصول دین هستم که کسی نتواند از آن انتقاد کند و یا مخالفت نماید؟ (البته این دو موضوع نقل به مضمون است و اصل سخن امام، در صحیفه امام موجود است).

در این زمینه شهادی صادق و برادر عزیز دیگری به نام دکتر عباس شیبانی داریم که زمانی طولانی هم‌رزم و همگام مهندس سبحانی بود و او می گوید: سبحانی کاملاً پای بند به مسائل دینی و شرعی بود پدرش بسیار متدین بود و خود وی کوچک ترین بی ملاحظگی در رعایت اصول و موازین شرعی نداشت و پیش از انقلاب که نیاز به فداکاری و از خودگذشتگی داشت، مهندس سبحانی پیشگام بود. سبحانی بی تردید یکی از افرادی بود که نقش بسزایی در مسائل انقلاب و مبارزات پیش از انقلاب داشت. او هیچگاه فعالیت بر ضد نظام نکرد ولی بعضی ها خود وی را نمی پسندیدند و به همین دلیل تحملش نمی کردند... (از مصاحبه دکتر شیبانی مندرج در روزنامه روزگار مورخ ۹/۴/۲۰ ص ۸) ... مهندس سبحانی، خیلی بیشتر از پدر خود چهره و مثنی سیاسی و مبارزاتی داشت، اما مبارزه را برای کسب مقام و ثروت و قدرت پی گیری نمی

کرد و بی تردید به جنبه های اخلاقی - انسانی نشأت گرفته از مکتب فکری، ارزش بسیاری قائل بود و به همین دلیل، علیرغم اینکه در مواردی به علت تفکر سیاسی مخالف با ما با او برخورد برانداز شد و حتی بی دلیل امنیت از او سلب گردید، اما شکوه نکرد و در خاطرات خود نیز به عقده گشائی نپرداخت و حب و بغض شخصی و خصوصی را در آن راه نداد.

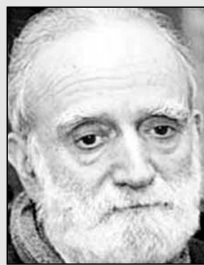
مهندس سبحانی انسانی صبور و آرام و معتدل و مسلمان بود و در واقع باید گفت که: عزت الله خلف صالح یدالله بود که مثنی و منش هر دو بزرگوار، صداقت و اسلامیت و صفا و فوا و اخلاق و اعتدال بود. نقل همه خاطرات درباره عزت الله فرصتی دیگر و بهبودی از کسالت و عوارض روزگار را می طلبید، اما در مورد پدر - مهندس سبحانی - گوشه هایی از خاطرات خود را در کتاب یادنامه دکتر یدالله سبحانی که در سال ۱۳۷۷ به کوشش و همت برادر گرانقدر جناب محمد ترکمان تنظیم گردید و انتشار یافت، نقل کرده ام.

خداوند آنان را بیمارزد و عاقبت همه ما را قرین خیر سازد. غفرالله لنا و لهم و لمن سبقونا بالايمان.

قم: سید هادی خسروشاهی  
چهلین روز گذشت مرحوم سبحانی ۱۸ - تیرماه ۱۳۹۰

**گفت وگو با عباس شیبانی**

**مخالف نظام نبود، مخالف سلايق برخی ها بود**



سخت است گفت وگو با کسی که ملاحظیات فراوانی برای صحبت کردن دارد. خصوصاً آنکه او، عباس شیبانی باشد. شیبانی چهره آشنایی برای مورخان انقلاب است و حرف های فراوانی برای گفتن دارد، اما مدت هاست یا کم می گوید یا نمی گوید. به همین دلیل وقتی قرار است با او صحبت کنیم، مثل همیشه امتناع می کند تا اینکه متوجه می شود قرار است راجع به سبحانی از او بپرسم. هرچند در ابتدا می گوید خاطرات را خیلی به یاد ندارد، اما به احترام دوستی هایش هرچه در ذهن دارد، می گوید. او پیش از انقلاب، از همراهان و دوستان مرحوم سبحانی بوده است و به رغم جدایی راه و تفکرش در پس از انقلاب، به حسنات و امتیازات سبحانی اشاره می کند.

\*\*\*

**شما باید خاطرات فراوانی از مرحوم سبحانی داشته باشید، امکانش هست در خلال خاطرات به برخی از ویژگی های ایشان اشاره کنید؟**

من متأسفانه حافظه تاریخی خیلی خوبی ندارم اما سعی می کنم به خاطر احترامی که برای ایشان قائلم، خاطرات و گذشته ها را مرور کنم تا بخشی از ویژگی های ممتاز رفتاری و اخلاقی ایشان را بیان کنم.

**غالب دوستان ایشان بر تدین و اخلاقی بودنشان تأکید دارند. شما تأیید می کنید؟**

بله، مگر می توان غیر از این گفت. ایشان از یک خانواده مسلمان و کاملاً پایبند به مسائل دینی و شرعی بودند. پدر ایشان بسیار متدین بودند، خودشان هم کوچک ترین بی ملاحظگی در رعایت اصول و موازین شرعی نداشتند. من حتی بی اخلاقی خاصی هم از ایشان به یاد ندارم. بسیار اهل مدارا و ساده گیری بود. غیر از اینها یک صفت بارز اخلاقی ایشان، فداکاری بود.

**آیا مورد خاصی از فداکاری ایشان به خاطر دارید؟**

بله، در زندان موارد متعددی بود که ایشان پیشقدم بودند. او واقعاً از خودش مایه می گذاشت. در زمان هایی که لازم بود، مخالفتش از خیلی ها، گویاتر و رساتر بود. قبل از انقلاب خیلی از فعالیت ها نیاز به فداکاری و از خودگذشتگی داشت. مهندس سبحانی و برخی از دوستان ایشان در راه پیروزی انقلاب از هیچ تلاش و کوششی فروگذار نمی کردند.

ارتباط مرحوم سبحانی با گروه ها و افراد مخالف در زندان چگونه بود؟  
منظورتان از افراد مخالف چیست؟  
مثلاً توده ای ها.  
مهندس سبحانی نگاه کاملاً انسانی به آنها داشت. طبق همان توصیه حضرت علی (ع) همه مورد احترام او بودند، چرا که یا هم کیش او بودند و برادر دینی اش بودند یا چون انسان اند، جایگاه انسانی شان را حفظ می کرد.

**مهندس سبحانی پیش از انقلاب بیشتر متأثر از چه کسانی بود؟**  
مهندس سبحانی بسیار تحت تأثیر مرحوم آیت الله طالقانی بود. اساساً بسیاری از جوانان پرشور و انقلابی در آن دوران، آقای طالقانی را الگوی خود قرار دادند.

ما نیز به همراه مهندس سبحانی و جمعی از دانشجویان دیگر در برنامه های مسجد هدایت شرکت می کردیم و از مباحث مختلف مرحوم طالقانی استفاده می کردیم.

مهندس سبحانی و سایر جوانان مسلمان انقلابی با حضور در این برنامه ها هم اشکالات و شبهات شان را برطرف می کردند و هم در جهت پیشرفت انقلاب همفکری می کردند. خیلی از آشنایان ها و بعد از آن برنامه ریزی ها، در جلساتی چون جلسات مسجد هدایت شکل می گرفت.

در این جلسات یکسری ها فعال تر و مؤثر تر بودند. مهندس سبحانی قطعاً یکی از این افراد بود که نقش بسزایی در مسائل انقلاب و مبارزات پیش از انقلاب داشت.

**اگر چنین بود، چرا بعد از انقلاب همه چیز فراموش شد؟**  
چیزی فراموش نشد. تلاش ها و زحمات ایشان برای انقلاب فراموش شدنی نیست.

**پس چرا برخی بعد از انقلاب، ایشان را مخالف و معاند نظام معرفی می کردند؟**

اصولاً ایشان هیچ گاه مخالفتی با اصل نظام نداشتند. این صحیح نیست که مرحوم سبحانی را معاند نظام معرفی کنیم. ایشان بعد از انقلاب طرز فکر خاصی داشتند که البته این به معنای مخالفت با اصل نظام نبود.

تا آنجایی که من مهندس سبحانی را می شناختم، او هیچ گاه فعالیتی نکرد که به ضرر نظام تمام شود.

**پس چرا در دوره هایی با ایشان برخوردهای قهرآمیز صورت گرفت؟**

نمی دانم، این را باید از آنان پرسید. بعضی ها خود ایشان را نمی پسندیدند، به همین دلیل تحملش نمی کردند.

## باد خاور؛ باختر را خواهد برد!

(امواج انقلاب فرامیپهنی ملت ها)

اختلاف و غیره باشد. اگر این حرکت انقلابی درست بذر شد و ریشه گرفت و استحکام یافت کزوع اخراج شطنه فاستوی علی سوجه یعجب الزراع فتح، ۲۶، با آنکه کینه و خشم دشمنان و مخالفان خارجی را بر می انگیزاند ولی به آن سادگی نمی توانند جنبش را شکست بدهند آن تنصروا الله ی نصرکم و ینبت اقدامکم محمد، ۷۰.

**ب) چالش ها، بحران ها و آسیب های بیرونی (موضوعی و ذاتی):**

چالش ها، مشکلات و آسیب های بیرونی (موضوعی و تحمیلی) و یا ذاتی (افراط گرایی - رادیکالیستی) و تفریط گرایی - محافظه کارانه، یا ملی گرایی و مهین پرستی و دیگر ضعف ها و ناخالصی ها که زمینه های معنوی، روانی و شخصیتی دارد؛ همه را تهدید می کند و از این جهت همه ما نیازمند خودسازی و درون پردازی و التزام به هنجارها و ارزش های الهی و اقتدا به سیره پیامبر(ص)، و الگوگیری عملی از آن حضرت(ص)، در همه امور که در آیات سوره اعراف، تأکید شده بود داریم. چیزی که هر مسلمانی بایستی خود را به این اخلاق پیامبر منشانه ملتزم دانسته و آن را اولویت نخست رفتاری و گفتاری خویش قرار دهد. زیرا با این رویه بسیاری از آسیب های درونی وقایع شده و زمینه خطرهای بیرونی، نیز محدود خواهد شد.

### درجه بندی آسیب های درونی و بیرونی:

با آنکه آسیب ها دارای نوعیت های متعدد، کم خطر و یا پرخطر، می باشد، که بر اساس هشپاری و هماهنگی می شود برخی آسیب رسانی ها را پیشگیری نمود و یا به حداقل رساند. چه این که آنان نیز صدمه پذیر بوده و دیده شده است که برخی همچون طالبان و القاعده، با نفوذ در سازمان های دشمن؛ به آنها صدمه نیز وارد کرده اند (نفوذ یکی از رهبران طالبان، در تیم های عملیاتی آمریکا، که پول های زیادی از آنها به عنوان یکی از سران طالب به جیب زد و یا عملیاتی که در نتیجه چنین نفوذی، بیش از هفت تن اعضای سیا، در یکی از پایگاه های آمریکا در جلال آباد کشته شد ولی پیشگیری از نفوذ و بحران - در صورتی که قدرت های خارجی؛ عامل آن هستند - چنان چه خانم رایس (وزیر خارجه سابق آمریکا گفته بود: وظیفه ما مدیریت بحران است نه مهار آن - کار دشواری بوده و در شرایط فعلی، خطر و آسیب رسانی دشمنان نفوذی و سازمان های جاسوسی، بزرگترین مشکل جنبش و خیزش های نوپا به حساب می آید؛ گرچه ایجاد بحران بیشتر با زمینه های داخلی به وجود می آید، تا توطئه های خارجی.

امام علی(ع) می فرماید: آن الشیطان یعطیکم بالجماعة الفرقة وبالفرقة الفتنه دشمنان نیز از این سوژه ها سوء استفاده می کنند: و به بهانه (مثلاً) خشونت، جلوگیری از تنش مذهبی یا جنگ های داخلی مداخله نظامی، به راه می اندازند و گرنه اهداف ثابت خاورمیانه ای و تعریف شده آمریکا (امنیت اسرائیل، ادامه جریان نفت با - حفظ رژیم های وابسته و اسلام ستیزی و ایران شیعه هراسی) برای همه آشکار است. چون به دنبال همین راهبرد، آمریکا در پارادوکس (و تراحم) میان منافع و دموکراسی آمریکا از تاکتیک دوم پیروی می کند. لذا آمریکا، در ابتدا - برخلاف اصرار اروپا - با تصویب محدود پرواز ممنوع بر فراز لیبی مخالفت نمود. ولی در نتیجه فشار رسانه ها و... از آن حمایت کرد و همچنین اوپاما، در آغاز راهپیمایی اعتراضی مردم بحرین، از رژیم آل خلیفه خواست که از تیراندازی به طرف معترضان خودداری نمایند. اما در نتیجه فشار حکومت سعودی؛ با چراغ سبز نشان دادن به رژیم بحرین، سکوت اختیار نمود.

طارق رمضان، نوه شهید حسن البنا، مؤسس حرکت اخوان المسلمین، نوشت:

ایالات متحده و اروپا به مردم مصر اجازه نخواستند داد که به سادگی رویاهایشان را برای رسیدن به دموکراسی و آزادی تحقق ببخشند. با توجه به ملاحظات استراتژیک و ژئوپولیتیکی سرویس های اطلاعاتی آمریکا هماهنگ با ارتش مصر با بازی کردن با زمان نقش میانجی را بر عهده گرفته و کاملاً حرکت های مردمی را زیر نظر دارند. (اخوان المسلمین: از بنیادگرایی تا مردم سالاری، طارق رمضان: ترجمه ایرج جودت. شرق ۸۹/۱۲/۲۱)

لذا پیش و بیش از همه می طلبد که این پدیده و طلیعه مبارک، از ابعاد مختلف مورد ارزیابی کارشناسانه قرار گیرد و با آسیب شناسی های درونی - بیرونی، فکری، نیازها، ویژگی های موقعیتی، زمانی، مبانی، آموزه ها، خاستگاه، راهبرد، اولویت های آن، مورد توجه قرار گیرد و به پرسش های تاریخی، (پیدایش آغازین شکلگیری جنبش ها، ارتباطات محلی و بین المللی)، ارزش های فرهنگی - معرفتی و دینی گذشته و موقعیت سیاسی - انقلابی آینده و شاکله و مؤلفه های این پدیده امیدبخش، و این که چرا این انقلاب زودتر اتفاق نیفتاد و یا چرا جنبش های گذشته تاکنون به پیروزی نرسیده اند؟ پاسخ گفته شود و برای سرشار نگه داشتن مردم در صحنه های سیاسی - اجتماعی و اولویت های دیگر این خیزش مردمی، راهکارهای مناسب محلی و... برای پیشگیری از ناکامی های تلخ گذشته، اندیشه پردازی شود. چه این که شناخت گذشته و حال این جریان - ولو به صورت اجمال و عبرت آموزانه؛ ما را در بازتولید اندیشه و راهکارهای مدیریتی جدید کمک می کند و خواهد کرد، تا آینده با آشنایی بیشتر، بهتر مدیریت شود.

ما در (این بررسی) ابتدا به مبانی دینی - خاستگاه مشترک همه، یا اغلب جنبش ها می باشد، اشاره نموده و به برخی آسیب های درونی - بیرونی به عنوان نمونه و اهمیت جنبش اسلامی مصر، بحرین و... اشاره خواهیم کرد - گرچه رویکرد بحث - به جهت هویت اسلامی - معنوی آن؛ همچنان کلی و فرامنطقه ای خواهد ماند.

### الف) مبانی فکری و ایدئولوژیکی و نقش دین در آن

اسلام، بدون شک، با داشتن پتانسیل بالای فکری اعتقادی و تمدنی؛ هویت اصلی غالب این جنبش فراملی و... را سامان می دهد. اسلامی که تار و پود ریشه تحولات فرهنگی تاریخی جهان اسلام و عرب در گذشته بوده و حیثیت و موجودیت امت عرب را باز تعریف می کند.

قرآن به همه مسلمین و پیشاپیش به ملت مسلمان، که امت عرب، محور این پیشاهنگی را در تاریخ به عهده داشته است، چنین خطاب می کند: کنتم خیر امه اخرجت للناس تأمورن بالمعروف و تنهون عن المنکر آل عمران ۱۱۰ و یا رسالت پیامبر(ص) که مورد پذیرش همه مسلمین است. در قرآن چنین تعریف می شود:

ألنبی الامی الذی یجدونه مکتوباً عندهم فی التوراه والانجیل یأمرهم بالمعروف و ینهاهم عن المنکر و یحل لهم الطیبات و یحرم علیهم الخبائث و یضع عنهم اصرهم والأغلال التی کانت علیهم اعراف، ۱۵۷، در این آیه، به آزادی دورنی (ذاتی) در کنار آزادی بیرونی (موضوعی) اشاره شده است و بار گرانشان و بند و زنجیرشان را از آنها فرو می نهد... و بار گران می تواند کنایه از مانع کوچک و یا بزرگ درونی، چون ترس، جهل، خودخواهی،

با شکسته شدن طلسم جادویی و ابرقدرتی آمریکا و ریزش ابهت نظام سلطه؛ رویاهای سید جمال الدین حسینی (و پیشینیان صالح امت) تعبیر شده است. سید جمال الدین، در العروة الوثقی، تحت عنوان أسطورة نوشت:

بیرون شهر استخر پرستشگاهی بود که مسافران هنگام شب به آن پناه می بردند، ولی هر کس که در درون آن می رفت به طور مرموزی در می گذشت. کم کم تمام مسافران از این حالت ترس برداشته و کسی جرأت استراحت در آن را نداشت. تا این که مردی که از زندگی خسته شده و دیگر از مرگ بیمی نداشت وارد آن پرستشگاه شد که با صداهای سهمگین و هراس انگیزی از هر طرف روبرو گردید. اما چون از مرگ دیگر ترسی نداشت فریاد زد: پیش بیاید! من از مرگ هراسی ندارم. با همین فریاد یکباره صدای انفجاری برخاست و طلسم پرستشگاه شکسته و پیش پای او فرو ریخت بدینسان آشکار شد آنچه مسافران را می کشته ترس از خطر موهوم بوده است.. و در این دوران به تعبیر سید جمال بریتانیا چون همان پرستشگاهی است پوشالی که مردم بی جهت از آن می ترسند. صاحبی ص ۱۴۳ نقل از العروه، صفحات ۲۲۴-۲۲۳

### بهار این بیداری و پایداری

بهار این بیداری اسلامی و پایداری گسترده و تأثیرگذار که از پایین آغاز شده و می رود تا اقشار بسیاری را جذب و منفعل سازد؛ و نه تنها قطار انقلاب متوقف نشود که بسیاری دیگر - پس از سال ها انتظار و خون دادن و خون دل خوردن به آن رسیده - با آن همراه شود. شاید آغاز طلیعه ای باشد که خزان و زوال قدرت های تحمیلی، ملی گرا و موروئی و خاندانی را نوید بخشد و آزادی خواهی آگاهانه و استقلال واقعی را به دنبال بیاورد.

به جهت اهمیت این انقلاب ستوال های پیرامونی زیاد خوشبینانه و بدبینانه با اختلاف در تحلیل های در حد افراط و تفریط پیرامون این نهضت به وجود آمده است و عبرت های تاریخی ایجاب می کند که در این نبرد سرد و گرم، مبادا با نگرش افراطی احساسی غیر واقعی؛ دچار افراط و تفریط شویم و فرصت استراتژیک تبدیل به چالشی شود که جبران هم نتوانیم. (طبعاً دلسوزان و اسلامگرایان واقعی مسئولیت بیشتری دارند.)

با این که نگاه های متفاوتی نسبت به این جنبش به چشم می خورد و گرایش ها و رویکردهای فکری، فرهنگی و سیاسی، انتظارات خاصی - نسبت به منافع محلی و بین المللی شان دارند، ولی وظیفه همه نیروها، جنبش ها و کشورهای مسلمان و انقلابی؛ ایجاب می کند که در این فضای باز و خاصی که بوجود آمده نگاه، پاسخ و موضع مسئولانه نسبت به آن داشته باشیم. پرسش های از این قبیل: مردم برای چه چیزی به خیابان ریخته و در برابر گلوله سینه سپر می کنند؟

هدف این انقلاب چیست؟ اسلامخواهی یا جامعه مدنی و دموکراسی؟ منافات و عدم منافات آن با اسلام پارادوکس های دیگر درونی و بیرونی بالاخص ریاکاری و رفتار چندگانه ای که غرب با مسلمانان و در پروژه های اسلام ستیزانه شان دارد جای تردید باقی نمی گذارد که پیروزی و پایان نیک این تعبیر خواهی با چالش ها و مشکلات داخلی و آسیبزی و انحراف در اهداف، روش ها و یا واگرایی و گسیست ها اختلاف و فتنه های فرقه ای، گروهی، کارشکنی و توطئه های فراوان علنی و پنهانی دشمنان مواجه خواهد بوده و می دانیم که این دین ستیزان به سادگی از میدان در نرفته و آمریکا همچنان از رژیم های ضد مردمی، حمایت خواهد نمود.

بهار قیام ملت های منطقه، با ماهیت مردمی، اسلامی، آزادیخواهانه، ضداستبدادی، که انقلابیست تمام عیار، علیه رژیم های مستبد عربی؛ پاییز لیبرالیسم و سکولاریسم را به دنبال داشته و آخرین میخی خواهد بود بر تاج و تخت حکام وابسته و ریزش ستون ها و قدرت های بیگانه در منطقه. پس لرزه های این انقلاب، تا چین هم کشیده شده و گویا این قدرت الحادی را نیز به هراس انداخته است. (حکومت چین از ترس این که مبادا انقلاب مصر بر افکار چینی ها تأثیر نامطلوب داشته باشد، مانع از دسترسی مردم خود به اطلاعاتی در زمینه تحولات کنونی این کار شد. نویسنده و رئیس روزنامه هیئت تحریریه اسپرس (کریستیان ماکاریان) چین، نگران از جنبش های عربی ضمیمه شرق. ترجمه فریده تلیلی منبع: اکو) و امید می رود این فرایند به حضور غریبان، که قرن های متمادی، به چپاول، اشغال، کودتا و به حمایت رژیم های موروئی و فاسد مشغولند؛ پایان داده و ما شاهد مرحله پسا صهیونیسم و لیبرالیسم سرمایه داری باشیم.

چامسکی، نویسنده، زبان شناس و نقاد مشهور، تحت عنوان انقلاب پان عربی نوشت: نظرسنجی ها نشان می دهد که نفرت از آمریکا و اسرائیل به شدت افزایش یافته و فقط ده درصد از مردم کشورهای عربی در مورد ایران نگرانی هایی دارند. روزنامه اطلاعات: ۸۹/۱۲/۱۱

امواج پرشتاب انقلاب و جنبش های فرامیپهنی مسلمانان منطقه طوری است که پیش از خاموش شدن در یک منطقه موج آن جای دیگر را فرا می گیرد و برخلاف خیزش های نارنجی که پس از ریزش شوروی و فرصت طلبی های آمریکا به نفع اسرائیل تمام شد، امید می رود در آینده نیز ارزش ها، ویژگی و استقلال خود را حفظ نماید.

زیرا - چنانکه پیداست - خاستگاه و انگیزه های این انقلاب اجتماعی - سیاسی، اسلامی بوده و برخاسته از فطرت دینی و بیداری های عدالتخواهانه مظلومان می باشد، نه چیزی که غریبان آن را تنها عامل عمده این قیام امیدوارکننده قلمداد می کنند. سازمان های استخباراتی و رسانه ای غرب که ید طولانی در انحراف کشاندن و سیاه نمایی قیام های آزادیخواهانه مردمی دارند، انقلاب شمال آفریقا و خاورمیانه جدید! را معلول عوامل اقتصادی انقلاب برای نان می خوانند و در مجموع، آن را در پیامد و فرایند توسعه اقتصادی و... که سبب افزونخواهی سیاسی می شود؛ معرفی می کنند. چنانکه هانتنگتون، معتقد است: تغییرات اجتماعی و سیاسی همچون شهرسازی، سواد آموزی و آموزش و گسترش فزاینده اطلاعات، موجب توقعات سیاسی و مشارکت بیشتر مردم در تصمیم گیری های عمومی می شود... ولی این تحول - مانند بسیاری از تحولات تاریخی و سیاسی دیگر، چنانچه تاریخ گواه آن است - تک علتی نبوده و عوامل و شرایط زیادی، از جمله وضعیت خاص جهانی اینترنت، فیس بوک و بالا رفتن سطح اطلاعات عمومی که فراتر از رسانه های جهت دار غربی اطلاع رسانی دارند، در این نهضت ذی دخل بوده و چنین فرصت ویژه را فراهم ساخته است.

این سونامی خارج از کنترل، معادله قدرت را بهم ریخته و در نتیجه غافلگیر شدن آمریکا، قدرت ترسیم راهبرد آینده و توان چینش نیروها و پازل های درگیر در آن بسودوی پایان یافته است، و این چالش (حمایت از حکومت های وابسته و پسا پاسخگویی به خشم ملت های به پاخاسته) چه بسا افول هیمنه آمریکا و ریزش ستون خیمه داود را تسریع بخشد.

آیات القرمزی:

از شدت شکنجه در زندان به کما می رفتیم



آیات القرمزی شاعر بحرینی که به علت قرائت شعرش در میان انقلابیون میدان لؤلوه توسط نیروهای امنیتی منامه دستگیر شده بود گفت: ماموران امنیتی بدون هیچ رأفتی بر سر و صورت من شلاق می زدند و از شدت شکنجه ها و استفاده از شوک الکتریکی به کما می رفتیم.

وی از به کما رفتن خود در حین شکنجه پرده برداشت و افزود: گاهی آنچنان بر ما فشار وارد می شد که برای مدتی از هوش می رفتیم. زیرا در یک زمان توسط چند زن و مرد به سر و صورتم لگد وارد می شد، به گونه ای که گاهی اوقات شکنجه برای ما غیر قابل تحمل می شد. آزادی مشروط از زندان تا فراخوان

ثانوی

القرمزی با بیان اینکه به صورت مشروط از زندان آزاد شده ام، گفت: به من خبر داده شد که در این مدت آزادی کاملاً تحت نظارتم و از سفر ممنوع هستم. این وضعیت تا زمان برگزاری دادگاه استیناف ادامه خواهد یافت.

اعتراف گیری و پخش فیلم ساختگی از تلویزیون بحرین

وی فیلم اعترافات پخش شده از وی در تلویزیون رسمی دولت بحرین را ساختگی خواند و افزود: هر چند به ما گفتند که این فیلم پخش نمی شود ولی می دانستم که این فیلم را پخش می کنند. در این فیلم طولانی که تنها بخش هایی که از آن پخش شدند، سخنان مورد نظر رژیم حاکم به ما تلقین می شد و ما مجبور بودیم که همان صحبت ها را بر زبان بیاوریم و پس از اتمام فیلمبرداری مورد ضرب و شتم و وحشیانه قرار گرفتیم.

این شاعره بحرینی افزود: او به من گفت که این سخنان را بگو و از من خواست تا در نوار ویدئویی طبیعی و راحت ظاهر شوم و البته به من گفتند آنچه تصویربرداری می شود در آرشیو می ماند و هرگز پخش نخواهد شد. بنابراین بعد از توجیه شدن وارد استودیو شدم و بارها تصویربرداری قطع شد و از من می خواستند که طبیعی باشم این در حالی که تنها به خاطر ترس از ماموران سکوت کرده و سعی می کردم خودم را آرام نشان دهم.

القرمزی با تکذیب موضوع پشیمانی اش از حضور در تظاهرات مردمی بحرین گفت: زمانی صحبت های موسوم به اظهار ندامت بر زبان جاری کردم که از سوی ۲۰ نفر که صورت هایشان با نقاب پوشانده شده بود تهدید می شدم و تنها آن کلمات را بر زبان راندم و هیچ اعتقادی به عذرخواهی از رژیم منامه ندارم.

سپاس از رسانه های ایران به خاطر اطلاع رسانی مناسب

وی با بیان اینکه از استقبال گرم مردم هنگام آزاد شدن از زندان غافلگیر شده ام، این لطف مردم را موهون اطلاع رسانی صحیح رسانه ها از جمله وسائل ارتباطات جمعی جمهوری اسلامی ایران خواند و افزود: استقبال مردم از بنده همانا استقبال از فعالان مطالبات مردمی ملت بحرین است. در حقیقت اصرار مردم برای رسیدن به خواسته هایشان من را بهت زده کرده است و استقبالشان از من باعث شده تا سرم را بالا بگیرم.

آیات القرمزی شاعر زن ۲۰ ساله بحرینی که به علت قرائت شعرش در میان انقلابیون میدان لؤلوه توسط نیروهای امنیتی منامه دستگیر شده بود پس از آزادی موقت از زندان در گفت و گو با فارس با تاکید بر غیرقانونی بودن بازداشت وی از سوی رژیم آل خلیفه گفت: به شیوه ددمنشانه ای توسط نیروهای امنیتی دستگیر و از بدو سوار شدن در خودرو شکنجه ها و ضرب و شتم بنده آغاز و ۹ روز ادامه پیدا کرد.

هراس منامه از سخن حق

وی با بیان اینکه رژیم آل خلیفه از شنیدن سخنان حق هراس دارد، افزود: سخن حق، حقیقت رژیم منامه را بر ملا می سازد و همین امر باعث شده که این رژیم تا این میزان از گفتن یک شعر و قرائت آن ترس داشته باشد.

عزم جدی آیات القرمزی برای ادامه دادن مطالبات خود

القرمزی با تاکید بر اینکه روند مبارزاتی خود را ادامه خواهد داد و بازداشت هیچ تأثیری در اراده و تصمیمش نخواهد داشت، تصریح کرد که روزی که شعر مذکور را قرائت کرده، مبارزه با رژیم منامه را به عنوان هدف اتخاذ نکرده است؛ بلکه شعرش را به منظور مشارکت در احقاق حقوق ملت بحرین سروده است و چنین روندی را ادامه خواهد داد.

شکنجه های طاقت فرسا علیه آیات القرمزی

این شاعره بحرینی در پاسخ به سؤالی درباره شکنجه هایی که در بازداشتگاه علیه او روا داشته شده است، ضرب و شتم، ناسزا گویی به خود، مذهبش و رهبران معارض، سرد نگه داشتن و نگهداری در مکانی بدبو و کثیف را تنها جزئی از شکنجه ها خواند و افزود: ماموران امنیتی بدون هیچ رأفتی بر سر و صورت بنده شلاق می زدند و در شکنجه ها از شوک الکتریکی استفاده می شد.

وی با پرداختن به تحقیر زندانیان توسط رژیم حاکم بحرین گفت: نیروهای امنیتی مرا به ناسزا گفتن به خودم، خانواده ام، رهبران معارض و مذهبم وادار می کردند. این در حالی است که مجبور بودیم از سران رژیم حاکم تعریف و تمجید کنیم.

نگهداری در سلول های انفرادی تنگ و سرد

القرمزی با بیان اینکه در تمام مدت بازداشت در سلول انفرادی به سر برده است، گفت: در ابتدا در یک اتاق کوچک کثیف و مملو از حشرات که روی در و دیوار آن آثار خون به چشم می خورد نگهداری می شدم و در آنجا از شدت سرما به خود می لرزیدم. این وضعیت برای مدت ۹ روز ادامه پیدا کرد.

آنقدر شکنجه می شدیم که به کما می رفتیم

ها را مطرح و بر کوره اسلام هراسی غرب دمید. برنارد، ریشه اعتراضات اخیر را ناراضی شدید و احساس بیعدالتی گسترده در میان مردم منطقه می داند (عدالت و بی عدالتی) که مردم به مدد استفاده روز افزون از رسانه های مدرن به شرایط زندگی خویش آگاهی یافته و از نابرابری موجود قوف پیدا کرده اند؛ از طرف دیگر، ممنوعیت روابط جنسی آزاد در اسلام و مشکل تر شدن شرایط ازدواج، جوانان را به سوی اقدامات افراطی سیاسی و عملیات انتحاری و دست شستن از جان خویش برای وصال به حوریان بهشتی سوق داده است!! وی، برای عبور از این بحران، پیشنهاد می دهد: باید به رشد تدریجی نهادهای محلی و خودمختار، مطابق سنت شورا در اسلام کمک کرد و با مشارکت و مشورت با بزرگان، زمینداران، تاجران و صاحب منصبان نوعی حکمرانی متمدنانه بنا نهاد (روزنامه اطلاعات نقد نظریه "خطر بزرگ" برنارد لوئیس، نوشته دکتر غلام علی خوشرو ۸۹/۱۲/۲۵)

برنارد لوئیس، با رد دموکراسی خواهانه بودن خیزش های کنونی، در ادامه می افزاید اگر حرکت های اعتراضی موجود را دموکراسی خواهی قلمداد کنیم، دچار اشتباه فاحش شده ایم. انتخابات شبیه غرب راه حل این بحران نیست، بلکه غامضتر کردن مسئله و غلطیدن در این ورطه است که جنبش های افراطی اسلامی از این وضع بهره برده و به قدرت برسند. وی با اعتراف به نفوذ اسلامگراها در میان مردم، چنین ادامه می دهد: در یک انتخاب آزاد و منصفانه در مصر احزاب اسلامی برنده می شوند و این یک فاجعه است.

علیرضا نوری زاده، که غالباً تحلیل های جانبدارانه علیه حرکت های اسلامی دارد؛ نیز در مصاحبه با تلویزیون بی بی سی، عین همین را در ابتدای راهپیمایی جنبش مصری ها، بیان داشته و چنین گفت: جنبش اخوان المسلمین در مصر، جنبشی خطرناک و افراطی است که پشت سر البرادعی کمین کرده و اگر به قدرت برسد، فاجعه بار خواهد بود.

بالاخره، برنارد لوئیس، در خاتمه با خطرناک خواندن ایران برای منطقه که از دو طریق (رادیکالیسم انقلابی و گسترش انقلاب شیعی)، "خطر آمریکا" را اراجیف (!) خوانده و به ضرورت مهار ایران تأکید نمود. لوئیس، در این مورد برای کشورهای عربی نیز راهکار ارائه نموده یادآور گردید:

سادات از وحشت شوروی به آغوش اسرائیل پناه برد.. باید کشورهای عربی و اسلامی (نیز) به اسرائیل پناه ببرند تا اسرائیل از ثبات و امنیت آنان در برابر ایران پاسداری کند.

سیگنال های خاورمیانه جدید:

علیرغم مظلومیت جنبش های اسلامی و مردمی (بالأخص بحرین، حجاز و عراق) بحمدالله نهضت بیداری امت راه بدون بازگشت خواهد بود و می رود که آهسته آهسته به عقب نشینی های سران این رژیم ها و کشورهای غربی که رفتار کجدار و مریز برخورد می کنند، منجر شود.. که به این چند نمونه که در منطقه (بالأخص انقلاب مصر) اتفاق می افتد امیدوار کننده است: تظاهرات مردم مصر - ولو با تعداد اندک، جلو کنسولگری اسرائیل در اسکندریه و سفارت این رژیم در قاهره، ۱۶ آوریل ۲۰۱۱ جهت قطع رابطه مصر با آن و بازداشت مبارک و فرزندانش جهت پاسخگویی به جنایات گذشته و فساد مالی؛ به علاوه این که در پیامد هشپاری و اصرار انقلابیون مصر و حذف مهره های نفوذی آمریکا، چون عمر سلیمان در مصر، که حیات خلوت آمریکا بود، حکومت این کشور، خواستار و علاقمند به گشودن صفحه جدیدی با ایران و حزب الله و سفر به سوریه شد.

همزمان با این، تظاهرات در تونس نیز برگزار گردید که در آن راهپیمایان خواستار تحویل بن علی توسط سعودی شدند که این کار فشار بر رژیم ریاض را نیز افزایش داده و حمایت مردم تونس، از قیام مردم بحرین، که خواستار خروج اشغالگران ارتش سعودی، از بحرین شده اند را به دنبال داشته است. بی جهت نیست که سران سعودی میان مردم پول تقسیم نموده و ملک عبدالله، از مردم می خواهد که دیگر او را پادشاه نگویند.

از آنجایی که جنبش های منطقه، چنانکه پیداست در تیررس آسیب های درونی و بیرونی قرار دارند و دشمنان نیز تجارب زیادی برای به مسلخ کشیدن جنبش ها و خیزش ها و از جمله در افغانستان، عراق، ایران و... دارند - چنانچه گفته می شود - غربیان با آنکه در انقلاب مصر و تونس غافلگیر شدند، ولی قیام های دیگری که در بحرین، لیبی، اردن، سعودی و یمن به راه افتاده بودند را می خواهند مهار و به چالش بکشند. چه آنان از تمام روش های پراگماتیسی ضد دموکراتیک! و از جمله: شناسایی و جذب نخبگان، اعتماد زدایی، مشروعیت زدایی، چند قطبی کردن جامعه، با ابزار و روش های جنگ روانی و جنگ مذهب علیه مذهب، شبکه و نهادسازی از طریق معرفی پروژه های عملیاتی؛ برگزاری کارگاه های آموزشی؛ حمله به پایه های اصلی جنبش (یا نظام و نافرمانی مدنی در مثل ایران و سوریه) بهره می برند (کیان تاج، ۹۰/۷/۲۳)

نگرانی دشمنان، از قیام اسلامی (بر اساس درجه بندی آسیب های بیرونی):

مانیفست و تاریخ جنبش آزادیخواهانه مسلمان نشان می دهد که آنان غالباً به دنبال اسلام بوده و باز هم پس از پنجاه سال شعارهای ناسیونالیستی چپ و قومگرایانه (ناصریست ها، بعثی ها و غیره) که در میان برخی جریان های ملی - قومی و سکولاریستی، سابقاً به چشم می خورد، رنگ باخته و خواسته ها و شعارهای قیام، سیاسی، ضد استبدادی و آمیخته با شاعران و ارزش های دینی (نماز، حجاب و...) را به نمایش گذاشته اند. از این جهت، جنبش کنونی، یک انقلاب؛ با هویت اسلامی به دور از گرایش های قومی - مذهبی، تعریف خواهد شد. و این جاست که حساسیت دشمنان ملت عرب و امت اسلامی - و در قدم نخست - کیان عبری را دچار بحران خواهد نمود. چنانچه اسرائیل از همین حالا با یاره سرایی از اسلامی بودن جنبش پرشتاب اسلامی، اظهار ناخوشنودی کرده است. زیرا اسرائیل و غرب با ناسیونالیست ها، آسان تر کنار می آیند تا اسلام سیاسی. به جهت رفتار دوگانه غرب و تجربه های طولانی که آنان در شکست دادن جریان ها دارند؛ بایستی با هشپاری و با حذر بیشتری برخورد نمود و گاهی رفتار و منافع آنان نیز تفاوت می کند. مثلاً انگلیس ها، که نگاه عمیق تری به تغییرات منطقه دارند؛ محتاطانه تر عمل می کنند و از رفتار گذشته غرب، در حمایت از حکام مستبد انتقاد می نمایند. چنانکه سفیر انگلیس در کویت، به این نکته اشاره نموده گفت: دیگر این روش در شرایط فعلی جواب نمی دهد. اما رژیم اسرائیل که نگران حفظ موجودیت خود می باشد؛ صریحتر موضع می گیرد و از اسلامی بودن انقلاب عربی اظهار ناراحتی می کند و همچنین تمام عناصر وابسته به غرب که به چند نمونه از موضع گیری های خصمانه آنان اشاره می کنیم:

- روزنامه جروزالم پست نوشت: دان مریدور معاون بنیامین نتانیاهو وزیر اطلاعات و انرژی رژیم صهیونیستی در مقاله به عنوان آیا آمریکا قادرست انگیزه های ایران برای هژمونی منطقه ای را متوقف کند؟ به تحلیل پرداخته و از به وجود آمدن اتحاد بیشتر در جهان اسلام تأکید کرد؛ عامل جدید دیگر بازگشت عامل دین به دنیای اسلامی است. اگر شما در گذشته از هویت می پرسیدید از عرب بودن به عنوان هویت اول نام برده می شد اما امروز بیشتر مردم مسلمان به شما خواهند گفت همه مسلمان هستند. وزیر اسرائیلی افزود: جنگ هایی که امروز اتفاق می افتد همه می توانند به صورت فوری آن را ببینند. این باعث محدودیت برای اقدامات می شود. طرف قدرتمندتر ضعیف تر می شود چرا که همه می توانند ببینند چه اقداماتی در قبالتش انجام گرفته. این به این معنا است که طرف قدرتمند بد است و طرف ضعیف خوب است، اما این ماهیت جنگ را تغییر می دهد. (کیهان ۹۰/۷/۲۲)

- برنارد لوئیس مورخ نود و چهارساله انگلیسی - آمریکایی، نامدارترین کارشناس روابط بین اسلام و غرب، در مصاحبه مفصلی با روزنامه صهیونیست جرالم پست (۲۵ فوریه ۲۰۱۱) در تل او به تحلیل جنبش جدید خاورمیانه پرداخت، وی پیش از هانتنگتون جنگ تمدن

## معرفی کتب مرکز اسناد انقلاب اسلامی

## اسناد نهضت اسلامی ایران (۱) بعثت

و مشکلات بسیاری مانند امکان شناسایی نویسندگان و ناشران و کشف چاپخانه و توقیف اعلامیه‌ها و دسته‌اندرکاران چاپ و توزیع آنها توسط ساواک و... بوده است، بنابراین چاپ مداوم نشریه‌ای مخفی برای مدت زمانی یک یا دو ساله کار پر مخاطره و دلهره‌انگیزی بوده است. نشریات انتقام و بعثت دو نشریه‌ی منحصر به فرد تاریخ نهضت اسلامی هستند که نشریه‌ی انتقام هشت شماره و نشریه‌ی بعثت تا چهارده شماره علی‌رغم پیگرد و تعقیب ساواک منتشر شدند. هر دو نشریه‌ی داخلی حوزه‌ی علمیه‌ی قم بوده، نشریه‌ی انتقام را محمدتقی مصباح یزدی می‌نوشت و منتشر می‌کرد و نشریه‌ی بعثت را آقایان هاشمی رفسنجانی، سیدهادی خسروشاهی، علی حجتی کرمانی و سید محمود دعایی.

انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ روی داد، حاصل تحولات شگرف و عمیق در باورها، اندیشه‌ها و خواسته‌های مردم مسلمان ایران بود. این تحولات شگرف محقق نمی‌شد مگر در پرتو تلاش‌های شبانه‌روزی و مجاهدت‌های خاموش نیروهای مبارز مذهبی. آنچه نیروهای مذهبی در عرصه‌ی فکری و فرهنگی نهضت اسلامی نگاشته و انتشار داده‌اند به دو دسته قابل تقسیم است: نخست آثار و تألیفات که با رویکردی مذهبی فرهنگی و به صورت آشکار منتشر می‌گردید و دسته دوم آثار و نشریاتی است که با رویکرد مبارزاتی مذهبی مخفیانه منتشر می‌گردید. چاپ و انتشار و توزیع اعلامیه‌های انقلابی و همچنین برخی نشریات ادامه‌دار مذهبی از این دسته هستند. پرواضح است چاپ و تکثیر اعلامیه‌های انقلابی همراه با سختی‌ها



با مقدمه و کوشش: سید هادی خسروشاهی  
تعداد صفحات: ۴۰۴  
نوبت چاپ: اول، پاییز ۱۳۸۹  
قیمت: ۵۳,۰۰۰ ریال  
معرفی کتاب:  
آنچه در ایران بعد از قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ و تبعید امام خمینی (ره) تا پیروزی

## اسناد نهضت اسلامی ایران (۲) انتقام



شماره و نشریه‌ی بعثت تا چهارده شماره علی‌رغم پیگرد و تعقیب ساواک منتشر شدند. هر دو نشریه‌ی داخلی حوزه‌ی علمیه‌ی قم بوده، نشریه‌ی انتقام را محمدتقی مصباح یزدی می‌نوشت و منتشر می‌کرد و نشریه‌ی بعثت را آقایان هاشمی رفسنجانی، سیدهادی خسروشاهی، علی حجتی کرمانی و سید محمود دعایی.

تألیفات که با رویکردی مذهبی فرهنگی و به صورت آشکار منتشر می‌گردید و دسته دوم آثار و نشریاتی است که با رویکرد مبارزاتی مذهبی مخفیانه منتشر می‌گردید. چاپ و انتشار و توزیع اعلامیه‌های انقلابی و همچنین برخی نشریات ادامه‌دار مذهبی از این دسته هستند. پرواضح است چاپ و تکثیر اعلامیه‌های انقلابی همراه با سختی‌ها و مشکلات بسیاری مانند امکان شناسایی نویسندگان و ناشران و کشف چاپخانه و توقیف اعلامیه‌ها و دسته‌اندرکاران چاپ و توزیع آنها توسط ساواک و... بوده است، بنابراین چاپ مداوم نشریه‌ای مخفی برای مدت زمانی یک یا دو ساله کار پر مخاطره و دلهره‌انگیزی بوده است. نشریات انتقام و بعثت دو نشریه‌ی منحصر به فرد تاریخ نهضت اسلامی هستند که نشریه‌ی انتقام هشت

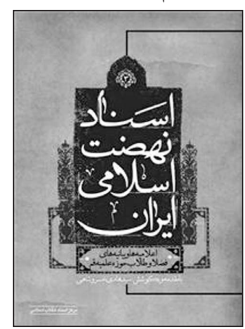
با مقدمه و کوشش: سید هادی خسروشاهی  
تعداد صفحات: ۴۰۴  
نوبت چاپ: اول، پاییز ۱۳۸۹  
قیمت: ۵۳,۰۰۰ ریال  
معرفی کتاب:  
آنچه در ایران بعد از قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ و تبعید امام خمینی (ره) تا پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ روی داد، حاصل تحولات شگرف و عمیق در باورها، اندیشه‌ها و خواسته‌های مردم مسلمان ایران بود. این تحولات شگرف محقق نمی‌شد مگر در پرتو تلاش‌های شبانه‌روزی و مجاهدت‌های خاموش نیروهای مبارز مذهبی. آنچه نیروهای مذهبی در عرصه‌ی فکری و فرهنگی نهضت اسلامی نگاشته و انتشار داده‌اند به دو دسته قابل تقسیم است: نخست آثار و

## اسناد نهضت اسلامی ایران (۳)

اعلامیه‌های صادر شده را گردآوری و نگهداری نموده بودند که اینک جلد سوم از این اسناد که شامل اعلامیه‌های حجج اسلام و فضایی حوزه‌ی علمیه‌ی قم می‌باشد پس از انتشار دو مجموعه‌ی قبلی یعنی نشریه‌ی بعثت و انتقام منتشر و در اختیار محققان تاریخ انقلاب اسلامی قرار می‌گیرد. مجموعه اسناد گردآوری شده توسط ایشان مجلدات دیگری نیز دارد که در دست تدوین و آماده‌سازی برای انتشار است.

اسناد دیداری و شنیداری که شامل عکس، فیلم، و نوار سخنرانی می‌شود. در جریان نهضت اسلامی به ویژه سال‌های اولیه آن دو گونه سند بیش از سایرین وجود داشته و در مراکز پژوهشی در اختیار محققان قرار می‌گیرد: اعلامیه‌های چاپ شده و دیگری نوارهای سخنرانی از امام و شخصیت‌های انقلابی که دست به دست تکثیر و مخفیانه توزیع می‌شده است. در سال ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ به ویژه بعد از جمع‌های سیاه (۱۷ شهریور میدان شهدا) فیلم و عکس هم به صورت گسترده از حوادث انقلابی تهیه و موجود است. اعلامیه‌های انقلاب اسلامی را هم می‌توان بر اساس منشأ صادرکننده‌ی آن دسته‌بندی نمود؛ مثلاً اعلامیه‌های حضرت امام و مراجع یا سایر اقشار، و یا اعلامیه‌هایی که در برهه‌ی زمانی مشخص مثل دوران تبعید امام (ره) از همه اقشار گروه‌ها صادر شده است. استاد حجت‌الاسلام والمسلمین سیدهادی خسروشاهی از نویسندگان و پژوهشگران پیشگام تحقیقات تاریخی مذهبی و حرکت‌های آزادی‌بخش در ایام نهضت با اقدامی ستودنی حجم انبوهی از

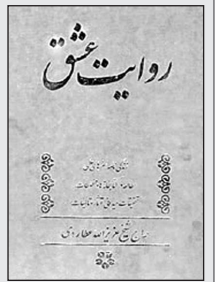
## اعلامیه‌ها و بیانیه‌های فضلا و طلاب حوزه علمیه قم



با مقدمه و کوشش: سید هادی خسروشاهی  
تعداد صفحات: ۳۶۸  
نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۹۰  
قیمت: ۵۹,۰۰۰ ریال  
معرفی کتاب:  
اسناد تاریخی انقلاب اسلامی را به دو دسته‌ی مهم می‌توان تقسیم کرد که هر یک به نوبه‌ی خود در تدوین و نگارش تاریخ انقلاب اسلامی کاربرد داشته و مورد نیاز محققان و پژوهشگران اسناد است: نخست اسناد کاغذی یا اسناد نوشتاری و دیگری

## درباره: روایت عشق

روایت عشق عنوان کتابی است که به قلم استاد بزرگوار، علامه سترگ و محقق بزرگ آقای حاج شیخ عزیزالله عطاردی دامت برکاته نگاشته شده است. کتاب فوق شرح زندگانی، مسافرت‌ها، فعالیت‌های علمی، آثار و... معظم له می‌باشد و در حقیقت دایره‌المعارفی کم نظیر است. روز ۸۹/۱۲/۲۶ که در معیت حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین حاج آقای محمدرضا نوراللهیان - که به منظور معارفه - خدمت آن بزرگ رسیدیم و بذل لطف فرموده در ابتدای آن کتاب که به بنده اهداء فرمودند، خطاب به بنده کلمه‌ای نگاشتند، که موجب شرمندگی گردید. تقریباً تمام کتاب را مطالعه نموده ام. تمایل داشتم هنگام مطالعه یادداشت‌هایی از کتاب بردارم، که چنین نشد. اکنون با استفاده از حافظه، بعضی از نکاتی را که به خاطرم مانده، قلمی می‌نمایم، شاید روزی تکمیل و به زیور طبع آراسته گردد. پس از مطالعه کتاب مذکور به یاد کتاب رزم پیروزی مردان بزرگ به قلم حضرت آیت‌الله جعفر سبحانی دامت برکاته افتادم، که سالها قبل مورد مطالعه اینجانب قرار گرفته بود. اکنون به نکاتی که در کتاب روایت عشق جلب توجه نموده است، اشاره می‌کنم. ۱- از نکات مهمی که استاد عالیقدر در این کتاب ارزنده به آن اشاره نموده، تأثیر دعای مادر در توفیقاتی است، که شامل حال ایشان شده. که امید است الهام بخش همگان گردد. ۲- نیکی به پدر و مادر از جمله مسائلی است، که استاد در این کتاب شرح داده، از معالجه مرحوم والدشان در تهران و ساختن خانه برای والدین در مشهد مقدس قبل از آنکه خود استاد صاحب خانه شوند.



۳- تجلیل از بزرگان نیز از مطالب ارزنده‌ای است که در جای جای کتاب جلب توجه می‌کند. از جمله این بزرگان که استاد ذکر خیری از آنها نموده مرحوم آیت‌الله حاج شیخ بهاء‌الدین محلاتی قدس سره و مرحوم آقا مجدالدین محلاتی می‌باشد. بنده با هر دو بزرگوار محشور بودم و مبارزات مرحوم آیت‌الله محلاتی و آقازاده بزرگوار ایشان را با رژیم طاغوت به خاطر دارم. ولی به گفته آیت‌الله مکارم شیرازی در مقدمه کتاب مردی بزرگ از خطه فارس بعضی از شخصیت‌ها مانند آیت‌الله محلاتی هستند، که پس از ارتحال نیز مجهول‌القدر می‌مانند و البته فرهیختگان و بزرگان جامعه اسلامی می‌بایست در این باره چاره‌ای بیندیشند. ۴- حدیث یا روایت یا مثالی است که ذکر و امواتکم بالخیر و استاد به این کلام حکمت آمیز عمل نموده و از مدیر کل وقت امور فرهنگی آستانه قدس رضوی که مانع سفر استاد به اتحاد جماهیر شوروی سابق (در سال ۱۳۵۰) شده، نام نبرده و نام وی را ذکر نموده است و این نیز از درس‌هایی است، که باید از استاد آموخت. ۵- تکیه به ارزش‌ها و عدم اتکاء به مشاغل دنیوی نیز از مطالبی است که در این کتاب سترگ جلب توجه می‌کند. ایشان هر جا از شهید رجایی (عموی خانواده مجلله‌شان) نام برده، فقط با عنوان شهید اکتفا نموده، جز یک مورد که از قول یکی از ائمه جمعه شوروی سابق از آن شهید بزرگوار به عنوان نخست‌وزیر ایران اسلامی یاد می‌کند. آری! استاد شهادت را ارزش می‌داند، نه شغل افراد را. ۶- بعد از آن همه مسافرت به هند و پاکستان و... و سالم رسانیدن فیلم و عکس کتب کم نظیر به ایران انسان فرمایش استاد شهید مرتضی مطهری امدادهای غیبی در زندگی بشر را به شکل ملموس حس می‌کند، که این امدادها شامل حال استاد بزرگوار نیز شده است. ۷- نگارش تاریخ خراسان که تاکنون ۷ جلد آن - اگر اشتباه نکنم - نشر یافته، از خدمات ماندگار و بی نظیر علامه عزیزالله عطاردی خراسانی است. امید است که شاهد انتشار بقیه مجلدات این کتاب ارزشمند نیز باشیم.

۸- نگارش و طبع ۱۰۰ جلد کتاب توسط استاد بزرگوار از مسائلی است، که موجب اعجاب انسان می‌شود و غیر از سعی آن بزرگ، انسان امدادهای غیبی را در تحقق این مهم مشاهده می‌کند. ۹- تمام مسافرت‌های استاد با لباس مقدس روحانیت صورت گرفته است. ۱۰- استفاده از اساتید بزرگوار نظیر شیخ آقابزرگ تهرانی صاحب کتاب الذریعه الی التصانیف الشیعه، مرحوم علامه امینی قدس سره صاحب کتاب جاودانی‌الغدیر، آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی مرجع فقید... از توفیقاتی است که خداوند متعال نصیب حال استاد نموده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سید محمود مرعشی نجفی طی مصاحبه‌ای که در دو هفته نامه بعثت منتشر شده، نقل می‌کنند، که مرحوم پدرم بعد از کسالت و هجرت اجباری امام خمینی به تهران شخصاً به تهران تشریف بردند و از مرحوم امام خمینی عیادت نمودند. (البته مراجع بزرگوار دیگر نیز نماینده فرستادند) انجام این مهم باعث شد، که بعضی از آقایانی که میانه‌ای با انقلاب نداشتند، بگویند که این بچه (منظور وی دکتر محمود مرعشی نجفی است) برای ما دردسر درست می‌کند و منظورشان این بود که مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی به تحریک من به عیادت امام رفته است. در حالیکه چنین نبود و خود آن بزرگوار تصمیم گرفتند به عیادت امام بروند و من در انجام این مهم نقشی نداشتیم. به راستی مرحوم آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی از حسنات دهر بود و مرحوم آیت‌الله سید حسین آیت‌اللهی (امام جمعه فقید جهرم و نوه مجاهد کبیر مرحوم آیت‌الله سید عبدالحسینی لاری قدس سره الشریف). انجام این همه کارهای فرهنگی استاد بازحمات طافت فرساید است درسی برای همگان باشد. سوم شعبان تولد امام حسین (ع) ۱۴ - ۴/ - ۹۰ بنا رویه لارستان

احمد باقریان

## بعثت

نشریه مرکز بررسیهای اسلامی  
دو هفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی  
صاحب امتیاز و مدیرمسئول:

سید هادی خسروشاهی

دفتر مرکزی:

قم: خیابان شهدا (صفائییه) نیش ممتاز

تلفن: ۷۷۴۱۴۳۳

صندوق پستی: ۱۳۶

چاپ: مینایی

پست الکترونیکی:

Besatonline@gmail.com